

داستان کوتاه

جیب‌پاره

«داستان‌هایی کوتاه»

بر برگه از: ورژن جنگ و اسارت محمد درویشی

نویسنده: الهام اسلام‌پناه

سرشناسه	اسلام پناه، الهام، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور	جیب پاره: «داستان‌هایی کوتاه» برگرفته از دوران جنگ و اسارت محمد درویشی / نویسنده الهام اسلام پناه.
مشخصات نشر	کرمان: امید کویر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۸۷ ص. ۵/۱۴×۵/۲۱، س. م.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۶۹۲-۱۷-۵ ریا ۲۶۴۰۰۰:
وضعیت فهرست نویسی	غیبا
عنوان دیگر	«داستان‌هایی کوتاه» برگرفته از دوران جنگ و اسارت محمد درویشی.
موضوع	درویشی، محمد، ۱۳۴۹ - مهر -
موضوع	داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	Short stories, Persian -- ۲۰th century
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- داستان
موضوع	Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Fiction
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- اسیران -- داستان
موضوع	Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Fiction -- Prisoners and prisons
رده بندی کنگره	PIR۸۳۳۴:
رده بندی دیب	۸۴۳/۶۲:
شماره کتابخانه	۶۱۱۴۸۹۰:



جیب پاره، برگرفته از دوران جنگ و اسارت محمد درویشی

نویسنده: الهام اسلام پناه

ناشر: انتشارات امید کویر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۹۲-۱۷-۵

قیمت: ۲۶۴,۰۰۰ ریال

آدرس: کرمان، خیابان شریعتی، بعد از کوچه ۱۰، پاساژ سجاد، پلاک ۱۳۴

تلفن: ۳۲۲۶۲۸۲۴ - ۰۳۴ مرکز پخش: ۰۹۱۹۶۶۴۰۶۴۰

www.OmidKavir.ir

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۰	همراه
۱۷	نامه‌ای که نرسید
۲۳	ماندم و رفتم
۲۷	جای خالی‌اش زورکی گریستم
۳۳	شتاب تقدیر
۳۹	ماجرای سنگ‌ها
۴۱	آزادی
۵۴	ادای لباس
۵۹	مانده
۶۴	نفس‌های آخرش بود
۷۴	جیب پاره
۸۰	به طرف مرز
۸۵	سروده‌ای در دل اسارت

مقدمه

به نام معبود زیبایی‌ها که تنها نام اوست التیام‌دهندهٔ قلب‌های ناآرام. خدای رحمان و رحیم را شاکرم که باز مجال داد تا بتوانم برگ زرین دیگری از هنر خویش را با داستان‌های جنگ هشت ساله تقدیم کنم. به ویژه رهبر معظم انقلاب نمایم. رهبر فرزانه‌ای که کار هنری در زمینهٔ دفاع مقدس را یکی از برترین کارهای هنری نامیدند.

همیشه در فکر و خیالم از درگاه خداوند متعال خواستار این بودم، که توانایی و اراده‌ای قوی نصیبم بفرماید، تا برای نگاشتن خاطرات و داستان‌های جبهه و جنگ دستم بی‌اختیار به سمت قلم برود و چندین جلد کتاب از جنگ هشت ساله با نثر بنده حقیر به یادگار بماند، که شاید این‌گونه دین خویش را در حد جایگاه محقرانه‌ام به نسل حال و آینده ادا نمایم. (ان شاء الله که ابتدا پروردگارم، سپس امام زمانم (عج) و بعد هم رهبر انقلاب اسلامی زحمات ناچیز مرا بپذیرند).

حال که مقدمه چهارمین کتابم را می‌نگارم، خرسند هستم و بر من آشکار و روشن است که به یقین لطف خدایم شامل حالم گردیده است، چرا که در طول یازده سال توانستم به یاری حق تعالی چهار مجموعه را به مرحله چاپ برسانم و خستگی روز و شب‌های گذشته را یک جا از تن بردایم.

بیش از نود درصد مجموعه داستانی پیش‌رو حاصل تخیل بنده و مابقی آن برگرفته از خاطرات رزمنده، جانباز و آزاده محمّد درویشی است. وی از جوانان ۱۳۰۰ هجری دلاور کهنوجی می‌باشد، که در کمال رفاه دنیوی تصمیم می‌گیرد ده‌های والا را در زندگی خود برگزیند؛ هدفی که نثار کردن عشق به رهبر و خاک و لاله خویش است، هدفی والا که مهم‌ترین عنوان آن را تنها می‌شود وصال به بهترین جایگاه، یعنی رضای خدا دانست و بس. قبل از نگاشتن این مجموعه، خاطرات ارزشمند جبهه و اسارت این جوان غیور در کتابی با موضوع «زورکی خندیدیم» به رشتۀ تحریر در آمد و به چاپ دوم رسید.

بار اولی که درویشی به بنیاد شهید مراجعه کرد و از بنده خواست خاطراتش را در قالب کتاب بنویسم، خنده‌ام گرفت و نگفتم: «این هم مثل بقیه آزاده‌ها و جانبازهایی که قبلاً قول داده‌اند خاطراتشان را بازگو کنند، ولی یکی دو خاطره تعریف کردند، رفتند و دیگر پشت سرشان را نگاه نکردند. من نباید جدی بگیرم و وقت خودم را بابت حرف‌هایی که باد هواست، تلف کنم». به همین دلیل با حالت نیش‌خند از درویشی پرسیدم: «آیا اشتباه فکری دارید همه خاطرات خود را بازگو کنید و نوشتن کتاب را نیمه تمام رها کنید؟» ایشان با اطمینان گفتند: «شک نکنید! اندازه یک کتاب خاطره و داستان از جنگ و اسارت تعریف می‌کنم».

هر چند روز یک بار، درویشی مطالبی از دوران جبهه و اسارتش را که روی

ورق‌های آچار می‌نوشت می‌آورد و من از دل آن‌ها خاطراتی بیرون می‌کشیدم و ویرایش می‌کردم، تا این‌که پس از شش ماه کتاب «زورکی خندیدیم» کامل شد و پس از طراحی به چاپ رسید. تازه فهمیدم ایشان علاقه خاصی به فعالیت‌های فرهنگی، به خصوص ثبت خاطرات دوران دفاع مقدس دارند. و اینک علاوه بر لطف ویژه باری تعالی، با همکاری و ارائه خاطرات جدید ایشان هست که توانستم این مجموعه داستانی را با عنوان «جیب پاره» به سرانجام رسانم.

الهام اسلام‌پناه، زمستان ۱۳۹۸